

می خواهد ترکیبی بکند با رئالیسم جادویی، رمانتیسیم حاکم بر ذهنیت ما و ناتوانی ما در عرضه جهان واقعی سبب می شود تا تنها بعضی از بندها را تحمل بکنیم و در نقد هم نشود بالاخره گفت که جزیره سرگردانی چه ارجی دارد که باز باید صبر کرد تا همه این اثر به تمامی منتشر شود تا حرف آخر را زد. رمان سمفونی مردگان معروفی نیز هم هست با ترکیبی از جریان سیال ذهن و تعدد روایان که گفته ام فصل اول و آخرش شاهکار است و الگوبرداری اش از خشم و هیاهو آن را تا یک اثر دست دوم فرو می کشد. بخشی از کار هنوز چاپ نشده اش را هم خوانده ام، فریدون سه پسر داشت، که اگر بقیه اش بر همین روال باشد که دیده ام دستاوردی خواهد بود.

در این ملغمه البته ظاهراً داستان کوتاه و رمان پست مدرن هم داریم مثلاً آزاده خانم. من این نوشته را به دلیل عدم ایجازش که گاه تا حد توهین به خواننده زیاده گویی دارد و حضور حی و حاضر نویسنده در متن و نه حضور داستانی شده او و تسویه حساب هایش با رقیبا از مقوله رمان نمی دانم، حتی اگر قبول کنم که مثلاً این صفحه یا آن بند بد هم نیست. از سوی دیگر خود همین کتاب و تحسین کنندگانش نشان از بحران ما دارد، نشان از بیماری ما که اگر هم بپذیریم در همین حد بد نیست، ولی به نظر من رمان متنی نیست که فقط به درد روانشناسان بخورد برای بررسی بیماری اجتماعی یا فردی.

نمونه های رئالیسم جادویی را در طوبیا و معنای شب شهرنوش پارسی می توان دید، با این تذکر که ساختمان اثر بر گرفته از سووشون است و بخش پایانی کتاب هم مثل اغلب پایان بندی آثار این نویسنده حرام کردن اثر است. باز کتاب اهل غرق خانم روانی پور هم هست که بخش های آغازین واقعا شاهکار است، اما تبعیت از الگوی دولت آبادی کار را به بیراهه کشانده. همین بلیه البته در اثر جدیدش کولی کنار آتش، کار را به شکست کامل کشانده. چرا که خواسته است از یک کولی با تمهید دخالت نویسنده در متن - یعنی مثلاً پست مدرن شدن - یک شاهد وقایع سالهای انقلاب بسازد.

کار درخشان اخیر مندنی پور هم هست، دل دلدادگی، که گفته ام در آستانه یک شاهکار است با ترکیبی از رئالیسم و جریان سیال ذهن که البته این بخش هانه ثبت ذهن شخصیت ها که شکل مکتوب این لحظات است، که اگر از سر اغلب این بخش ها بشود پرید، همان شاهکاری خواهد شد که منتظرش بودیم. اثری هم از سناریو، نیمه غایب،

این روزها در آمده که نوید نویسنده ای پر قدرت است اگر بتواند به شکل ذهنی هم شده از شکاف رئالیسم برگردد، نامی آشنا خواهد بود برای سالهای آتی.

باز هم هست که من بعضی از آثارشان را می پسندم مثل مدرس صادقی و یا فصیح، البته نه کارهای اخیرش یا شیرزادی که من البته کارهای کوتاهش را بیشتر می پسندم. کارهای درویشیان هم هست که با همه دوستی ها و صداقت ها و گاهی سایه ای از رئالیسم در بعضی آثار من او را بیشتر حکایت نویس می دانم - مثل درشتی - تا داستان نویس. دلایلی را روزی به تفصیل خواهم گفت.

ما در داستان کوتاه بیشتر موفق بوده ایم و حتی داستان بلند مثل بوف کور. در مجموع هم می توان ده تا بیست داستان کوتاه از نویسندگان ما نشان داد که در حد و مایه جهانی هستند، مثلاً از هدایت و چوبک و بهرام صادقی وساعدی و گلستان تا برسد به جوانرها مان مثل چهل تن و صدفی و روانی پور و مندنی پور و ربیحاوی، مرحوم نجدی، خدایی، سردوآمی، شیرزادی، ابوتراب خسروی یا کار درخشان اخیرش، دیوان سومنات، و عبدالهی، پیرزاد و نسل بعدتر مثل کشاورز یا کشکولی و اسدی و ابکنار و بسیاری دیگر.

خوب، می بینید که در این سفره رنگین از هر نوع و به هر تکنیک داریم با ذهنیت های متفاوت کسانی هستند که هنوز تخته بند نگرش افلاطونی - ارسطو هستند تا آنها که دریدا و فوکورا فوت آب اند. اما آیا به راستی میان ما و نویسندگان هندی مثلاً یا ترک یا حتی اروپایی تنها مصالح متفاوت است و گر نه ما هم همان گونه می نویسیم که نویسندگان اروپایی یا غربی بهترش را نوشته اند؟ به زبان دیگر اگر رئالیسم جادویی دستاورد ادبیات آمریکایی لاتین است، و مثلاً رمان نو سکه فرانسوی ها را دارد و انگلیسی ها همچنان دارند در حوالی و حواشی هنری جیمز و موآم گام می زنند، البته تا آنجا که من خواننده ام و بیشتر هم با حضور نویسندگان هندی تبار یا بالاخره نویسندگان انگلیسی زبان مستعمره های سابق به جهان رمان فخر می فروشند، ما که مدعی طرح گفت و گوی تمدن ها هستیم در این عرصه چیزی برای گفتن هم داریم، تکنیکی که بگوییم ایرانی - اسلامی است؟

گفته اند و من جایی از آن سود جسته ام که قالب قصه در قصه می تواند و باید بتواند چیزی باشد که می توان از آن سود جست، هر چند کلبه و دمنه اصل هندی دارد، ولی از آنجا که ما مثلاً در منطق الصبر و مصیبت نامه عطار و مثنوی مولوی از آن سود جسته ایم و در هزار و یکشب هم همین قالب هست که سهم ایرانیان در آن بسیار است و بالاخره متعلق است به فرهنگ اسلامی، پس می توان از این قالب سود جست.

سخنرانی یا مقاله ای باشد که اگر ترجمه مشروح نباشد حق مطلب ادا نشده و باعث وهم و خیال می گردد و بعضی مواقع لغات خارجی بدون اینکه ترجمه شود بکار گرفته می شود که خود باعث اشکال می گردد.

نکته دیگر در مورد حقوق قومهای ایرانی است. بمناسبت آنکه در اواخر این جلسه آقای جوانی خود را ایرانی متولد تبریز معرفی کرد و از حقوق قومها متذکر گردید و از گفتگوی بعضی ها در مورد لهجه گله داشت و از جمله می گفت چرا باید کلاه قرمزی با لهجه ترکی باشد.

هموطنان عزیز از هر قومی باشند توجه دارند که اجداد ما در حدود ده تا دوازده هزار سال قبل وارد سرزمین ایران شده و ماندگار شده اند بطوریکه لااقل از ورود قومهای مختلف و تولد فرزندانشان بین ۲۰ تا ۳۰ نسل می گذرد. این اقوام در این سالهای طولانی با هم آمیزش نموده و دوست و متحد گردیده اند. هر قومی با آنکه دارای لهجه بخصوص بوده ولی زبان اصلی و مشترک سرزمین خود را که پارسی است از بدو تولد فرا گرفته و با این زبان با اقوام دیگر گفتگو، مکاتبه داشته اند و این روش از سالهای دور تا بحال ادامه دارد.

نگاهی به سوابق و شواهد و تاریخ نشان می دهد پادشاهان ایران که حکومت این سرزمین پهناور را در دست داشته اند هیچگاه از یک خاندان و یا یک منطقه نبوده بلکه از قومهای مختلف بوده اند. همه آنها زبان پارسی را ارج نهاده و با این زبان مکاتبه و مکالمه داشته اند. شعرا و نویسندگان کشور ما نیز با آنکه از قومهای مختلفی بوده اند ولی بزبان پارسی شعر سروده و نویسنده گی نموده اند.

تاریخ نشان می دهد که سرزمین ایران بخاطر وسعت و موقعیت خاص جغرافیایی بارها مورد تهاجم قرار گرفته و همه مردم و اقوام برای بیرون راندن دشمن قدم بجلو نهاده اند. وقتی اعراب تازی وارد ایران شدند می بینیم یعقوب لیث صفاری و برادرش عمرولیث از ناحیه سیستان و بلوچستان اولین کسانی هستند که با خلیفه می جنگند. آنگاه ابومسلم خراسانی از اصفهان با خلیفه می جنگند که بدست او ناجوانمردانه بقتل میرسد و در نتیجه نهضت راوندیان از اصفهان بظرفداری ابومسلم به مقابله با خلیفه می پردازد. ملاحظه می کنیم خراسان بوسیله مغولها دچار خرابی

و ویرانی می گردد. قسمت های غربی ایران مورد تهاجم ترکان عثمانی قرار گرفته. روسها آذربایجان را کراراً مورد حمله قرار داده اند. انگلیسها بیشتر به مناطق جنوبی ایران حمله برده اند و خلاصه همه نقاط ایران خاطره ای از جنگ و خونریزی دارد، در مورد آذربایجان باید توجه داشت که آذر بمعنی آتش است و نشان از آتشکده در این ناحیه دارد. حضرت زرتشت از ناحیه آذربایجان به پیغمبری مبعوث گردید و ما را به کردار نیک - گفتار نیک و پندار نیک آشنا نمود. در انقلاب مشروطه با قرخان و ستارخان از آذربایجان همراه با اسعد بختیاری از اصفهان لقب سرداران ملی را بخود اختصاص دادند. هنگامیکه پیشه وری را روسها در آذربایجان برای ایجاد فتنه آوردند و قصد داشتند تا آذربایجان را از ایران جدا نمایند روزنامه ها در آن زمان نوشتند که آذربایجان، جان ایران است تا آنکه قوام السلطنه زیرک روسهای طمعکار را با شیوه خودشان فریب داد و پیشه وری را فرار نمود.

هموطنان عزیز باید توجه داشته باشند که مقتضیات سیاسی ایجاب می کند که همه ما باید دست در دست هم داشته باشیم و از آنچه که باعث اختلاف می گردد دوری نمائیم که منافع میهن ما در اتحاد است. بی شک تفاوت لهجه مطلبی نیست که اختلال در دوستی را فراهم آورد.

دنباله نامه های رسیده در صفحه ۳۹

**انجام کلیه امور تایپی**  
**کتاب، مقاله، صفحه بندی و**  
**خطاطی و طراحی**  
**در منزل**  
**فارسی و**  
**انگلیسی**

۵۴۳۶-۲۵۳ (۴۰۸)

افتتاح شد

# رستوران فردین

افتتاح شد

بنام زنده یاد محمد علی فردین یکی از محبوبترین بازیگران سینمای ایران

رستوران فردین در شهر سانفرانسیسکو افتتاح شد

لذیذترین غذاهای ایرانی را در محیطی گرم و صمیمی نوش جان کنید.

ارائه دهنده انواع کباب ها، جوجه کباب، چلو کباب کوبیده و برگ، خورشت قورمه سبزی، قیمه بادمجان و فسنجان با انواع دسرهای خوشمزه ایرانی

هفت روز هفته برای ناهار و شام آماده پذیرایی از شما عزیزان می باشیم

روزهای جمعه و شنبه رستوران فردین بطور ۲۴ ساعته باز می باشد

پذیرش سفارشات کیتترینگ شما برای مجالس عروسی، تولد، بر میتصوا و ...

1-877-699-IRAN

(415) 474-0200

1245 Vaness St., San Francisco, CA • Fax: (415) 474-0735